

دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش، به‌منظور اصلاح برنامه‌های درسی و ارزیابی صلاحیت حرفه‌ای اقدام به برگزاری آزمون سنجش شایستگی حرفه‌ای از هنرجویان داوطلب در پایه دوازدهم رشته‌های تحصیلی شاخه فنی‌وحرفه‌ای کرد.

این اقدام ما را بر آن داشت تا از محضر آقای دکتر حسن آقابابایی مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش، در مورد پژوهش صورت‌گرفته اطلاعاتی کسب کنیم.

ارزشیابی برنامه درسی در آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در ایران چه سابقه‌ای داشته است؟

ارزشیابی برنامه درسی رشته‌های شاخه فنی‌وحرفه‌ای در دوره‌های گذشته با محوریت دنیای آموزش انجام می‌گرفته است. به این منظور، گروه‌هایی کانونی در گروه‌های آموزشی استان‌ها محتوای کتاب‌های درسی را اعتباربخشی می‌کردند و نتایج آن را در اختیار شورای برنامه‌ریزی دفتر قرار می‌دادند. گاهی این گروه‌های کانونی به‌صورت متمرکز در مرکز رشد تکنابن یا اردوگاه شهید باهنر برای بررسی کتاب‌ها دعوت می‌شدند.

چرا ارزشیابی انجام می‌شود؟

ارزشیابی برای آگاهی از میزان تحقق اهداف، سنجش و مقایسه یا تطبیق دستاوردها با اهداف ضرورت دارد. ارزشیابی برنامه درسی یکی از مراحل اصلی فرایند برنامه‌ریزی درسی (طراحی، تدوین، اشاعه، اجرا و ارزشیابی برنامه درسی و بهبود و اصلاح برنامه‌ها) است. همان‌طور که در مبانی نظری سند تحول نظام تربیت رسمی و عمومی و در بخش رهنامه نیز آمده، ارزشیابی یکی از چهار فعالیت زیرنظام برنامه درسی در نظر گرفته شده است و این مصداق اهمیت آن است. لذا به‌منظور بهبود کیفی تجربه‌های تربیتی هنرجویان شاخه فنی‌وحرفه‌ای و برنامه درسی رشته‌ها، ارزشیابی آن‌ها ضروری است. در این راستا، با توجه به فرایند برنامه‌ریزی درسی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای (الگوی دنیای کار و آموزش)، بررسی میزان انطباق برنامه‌های درسی با فناوری جدید بازار کسب و کار و پیچیدگی‌های اجرای آن در محیط کار باید از دو کلان دنیای کار و آموزش انجام شود. از دیدگاه دنیای کار اینکه، برنامه‌های درسی قصدشده تا چه حد با فناوری‌های حال و آینده دنیای کار انطباق دارد و با پیچیدگی‌های محیط کار حرفه‌ای سازگار است و از دیدگاه دنیای آموزش نیز قابلیت آموزش برنامه و فراهم کردن زمینه اشتغال ارزشیابی می‌شود.

بدین ترتیب لازم است ارزشیابی برنامه درسی در دو فاز «دنیای کار» و «آموزش» با حضور ذی‌نفعان و مشارکت‌کنندگان انجام شود. بدیهی است، با توجه به توسعه فناوری‌های جدید در همه



ارزشیابی برنامه درسی رشته‌های شاخه فنی‌وحرفه‌ای

در گفت‌وگو با دکتر حسن آقابابایی،
مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی و تألیف
کتاب‌های درسی فنی‌وحرفه‌ای و
کاردانش

مریم واشقانی‌فراهانی

کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی، تهران



دیگری از مرکز آمار و بازار کار است که نه در اهداف این پژوهش قرار داشت و نه ابزار آن تهیه شد. چنانچه مقرر باشد میزان جذب هنرجویان فارغ التحصیل در دنیای کار بررسی شود، نیازسنجی جدیدی لازم دارد و بدیهی است این نیازسنجی با آمایش سرزمین و مناطق رابطهای مستقیم دارد و می تواند برای توسعه یا محدود کردن رشد بی رویه بعضی از رشته ها، مورد توجه معاونت آموزش قرار گیرد و تناسب عرضه و تقاضا را مورد توجه قرار دهد.

آیا با هنرجویان مشارکت کننده در فرایند ارزشیابی ارتباطی دارید؟

هنرجویان هنگام ثبت نام در سامانه «آلتی ام اس»^۱ با کد ملی ثبت نام و در زمان تکمیل اطلاعات شماره تلفن همراه خود را نیز ثبت کردند. در حال حاضر، حدود ۱۵۰۰ شماره تلفن همراه ثبت شده است. تعداد هنرجویان معمولاً بیشتر از تعداد نمونه های مورد نیاز بوده است. برای همه هنرجویان مشارکت کننده گواهی صادر می شود و از طریق ادارات کل استان ها به دست ایشان خواهد رسید.

زمینه ها (خدمات، صنعت، کشاورزی و هنر) و تحت الشعاع قرار گرفتن شایستگی های حرفه ای برنامه های درسی، به ویژه در برخی رشته ها مانند شبکه و نرم افزار که تأثیر تغییرات در آن بسیار محسوس است، نتایج ارزشیابی می تواند در تغییر اساسی برنامه ها و کتاب های درسی تا حد زیادی مؤثر و ارزشمند باشد. در این پژوهش ارزشیابی برنامه های درسی ۲۸ رشته شاخه فنی و حرفه ای با پوشش ۹۰/۷ درصد جامعه آماری هنرجویان کشور انجام گرفت.

در اجرای ارزشیابی برنامه درسی، جامعه مخاطب فقط هنرجویان بودند؟

یک بخش از منابع جمع آوری داده ها و مخاطبان این ارزشیابی و پژوهش، هنرجویان هنرستانی بودند. به طور کلی، جامعه هدف این ارزشیابی عبارت بودند از: مشارکت کنندگان در دنیای کار در هر رشته شامل کارفرمایان (سه نفر)، انجمن های حرفه ای (سه نفر)، خبرگان (پنج نفر)، فروشندگان کالا و خدمات (پنج نفر) و مشارکت کنندگان دنیای آموزش شامل فارغ التحصیلانی که در دنیای کار در حوزه شایستگی های آموخته شده فعالیت می کنند (پنج نفر)، هنرجویان سال سوم هر رشته تحصیلی حرفه ای (پنج نفر)، هنرآموزانی که حیات دوگانه دارند، به این معنی که هم در هنرستان تدریس می کنند و هم در دنیای کار در رشته تدریس فعالیت حرفه ای دارند (پنج نفر) و مربیان این رشته ها (حرفه ها) که در مراکز سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور اشتغال دارند (پنج نفر). علاوه بر این، هنرجویان در بخش آزمون قضاوتی شرکت کردند. این داوطلبان در این آزمون به سؤال های عملکردی در ۳۰ موقعیت واقعی ممکن دنیای کار در هر رشته پاسخ دادند. طراحی سؤال های ارائه شده در این ارزشیابی به گونه ای است که پاسخ هایی با ارزش صحت غیرهم وزن دارند.

مهم ترین هدف آموزش های فنی و حرفه ای جذب هنرجو در بازار کار است و ارزشیابی برنامه درسی می خواهد تحقق این هدف را بسنجد که چه میزان جذب هنرجو داشته ایم؟ آیا این کار در حال حاضر برای هنرجویی که فارغ التحصیل شده است و به او دسترسی وجود ندارد امکان پذیر است؟ این ارزشیابی هدف اشاره شده را نمی سنجد. اندازه گیری میزان جذب هنرجویان در بازار کار نیازمند استلزامات و داده های آماری

در اجرای این پژوهش چه موانع و مشکلاتی داشتید؟

۱. همکاری سخت و گاه همکاری نکردن اصحاب دنیای کار در پاسخ دهی به سؤال ها؛
۲. نبود یک سامانه الکترونیکی مطمئن که از طریق آن بتوان داده های لازم را جمع آوری کرد؛
۳. محدودیت ها و دسترسی سخت به اطلاعات نیروی انسانی، فضا و تجهیزات در وزارت متبوع؛
۴. دشواری یافتن افراد نمونه در حوزه حرفه ای (خبرگان، فروشندگان، کارفرمایان و انجمن ها) براساس معیارهای تعیین شده در پژوهش در رشته های فنی و حرفه ای؛
۵. هماهنگی و برقراری تعامل با گروه های مشارکت کننده دنیای کار و تلاش برای جلب مسئولیت اجتماعی آن ها، با هدف پاسخ گویی به سؤال هایی که بسیار زمان بر و سخت بودند؛
۶. سختی جمع آوری داده های آماری هنرستان ها و دنیای آموزش که گاه برای اطمینان از صحت اطلاعات نیازمند پیگیری مجدد توسط همکاران و بررسی دقیق تر بوده است؛
۷. ادراک نامعتبر حوزه های حرفه ای و آموزش از جایگاه سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی و دفتر در موضوع ارزشیابی برنامه های درسی؛
۸. کیفی بودن این پژوهش و سختی های مرتبط با پژوهش های کیفی.

دستاوردهای این پژوهش چه بودند؟

۱. مرور مجدد فرایند ارزشیابی برنامه های درسی توسط همه کارشناسان و سپس اشتراک تجربه های زیسته در روش ها؛
۲. اطلاع کارشناسان از آخرین وضعیت رشته های تحصیلی در دنیای کار و آموزش؛

۳. شناسایی مشارکت کنندگان دنیای کار و آموزش برای کمک به بهبود برنامه‌های درسی؛
۴. استفاده از اطلاعات حاشیه‌ای این پژوهش. اطلاعات موجود به عنوان اطلاعات پایه دستمایه مطالعات دیگر خواهد بود؛ مثلاً مبنای تقسیم‌بندی استان‌های برخوردار، نیمه‌برخوردار و کم‌برخوردار؛
۵. واکاوی عنصر ارزشیابی به مثابه عنصر مؤثر برنامه برای مرور اجمالی دیگر عناصر برنامه‌های درسی و استخراج داده‌ها از کلیه اسناد و استانداردهای موجود در رشته؛
۶. ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای کارشناسان برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی؛
۷. بهبود و اصلاح برنامه درسی رشته پس از حدود هفت سال از اجرای آن.

برای اجرای این ارزشیابی از چه روشی استفاده کردید؟

این پژوهش از نوع ارزشیابی است که در آن از روش‌شناسی (متدولوژی) سه‌سویه‌سازی خاص رشته‌های فنی و حرفه‌ای شامل حوزه حرفه‌ای، هنرجویان و هنرآموزان که به صورت تعاملی مشارکت ارزیابانه خواهند داشت، استفاده شده است. بدیهی است، در این پژوهش ارزشیابی به صورت کلی از الگوهای کیفی از نوع خبرگی استفاده شده است. تجزیه و تحلیل نتایج نیز به صورت کیفی و از روش بسندگی اقماعی گروه‌های تخصصی رشته‌ای با تأکید بر شاخص فراوانی و آزمون سازگاری بین دیدگاه‌های گروه سه‌گانه (سه‌سویه‌سازی) انجام گرفت.

آیا در این ارزشیابی راهکاری برای تمیز ارزشیابی برنامه درسی از شیوه اجرای آن وجود داشته است؟

گاهی ممکن است شیوه اجرای نامناسب به خروجی کم کیفیت منجر شود، نه مستندات برنامه درسی. بدیهی است که برنامه درسی قصدشده و اجراشده انطباق صددرصدی ندارند و همیشه آنچه قصد می‌شود، اجرا نمی‌شود و از آنچه اجرا می‌شود نیز مقداری به اکتساب شایستگی منجر می‌شود که بخشی طبیعی و بخشی معلول مدیریت و پشتیبانی از اجرا و دیدگاه‌های هنرآموزان است. با توجه به اینکه بخشی از مشارکت کنندگان دنیای آموزش (هنرآموزان) ملزم به بررسی از منظر امکان آموزش شایستگی‌های حرفه‌ای برنامه درسی در کارگاه‌های هنرستان هستند - که در واقع اجرای برنامه درسی را امکان‌سنجی می‌کنند - ارزشیابی از منظر اجرا نیز انجام گرفته است.

آیا خروجی فرایند ارزشیابی برنامه درسی صرفاً چالش‌ها یا نکات مثبت برنامه درسی را معرفی می‌کند؟ یا در مورد مشکلات مرتبط با عوامل اجرای برنامه درسی (هنرآموزان و هنرستان‌ها) نیز اطلاعاتی ارائه می‌دهد؟

پژوهش حاضر نوعی فعالیت تحقیقاتی برای آشکارکردن وجوه

گونگون برنامه درسی بوده است و تلاش دارد برنامه‌ریزان را با موقعیت واقعی رشته آشنا کند. ارزیابی نقاط قوت و ضعف درونی برنامه و فرصت‌ها و تهدیدهای برونی همگی می‌توانند خاستگاه جدی این پژوهش باشند. برای نمونه، در فصل چهارم، با بررسی عنوانی به نام «ضرب کفایت فضا و تجهیزات و نیروی انسانی»، به طور اجمالی می‌توان گفت، ضعف کفایت تجهیزات در بیشتر رشته‌ها شناسایی شد. در این بخش، وضعیت رشته از دیدگاه ضرب کفایت کلان (فضای حالت) در سه فضای حالت بحرانی، تحت مدیریت (کنترل) و مناسب ترسیم شده است.

آیا برای جذب نظر هنرآموزان و سایر عوامل اجرایی که برنامه درسی جاری را اجرا کرده‌اند، برنامه و راهکار جدیدی وجود دارد؟

دقت در نظر دارد در آینده ارزشیابی قضاوتی را در سطح هنرآموزان نیز اجرا کند. از طرف دیگر، دبیرخانه‌های راهبری و گروه‌های آموزشی نیز در این پژوهش و دیگر فعالیت‌ها محل مشورت هستند و می‌توانند در تقویت برنامه درسی یاری‌رسان باشند؛ چنانچه قبلاً نیز نامه رسمی دبیرخانه‌های راهبری، یکی از منابع مورد وثوق برای تغییرات جزئی کتاب‌های درسی بوده است.

لطفاً اگر سخنی پایانی با مخاطبان دارید، بفرمایید.

این فرایند باید به طور مرتب با رصد بازار کار و بازار آموزش انجام شود تا برنامه‌های درسی همگام با تغییرات فناوری پاسخ‌گوی ذی‌نفعان باشند. همچنین، معاونت‌های دیگر وزارتخانه با محوریت برنامه‌های درسی و استانداردهای فضا و تجهیزات و صلاحیت هنرآموزان هر رشته، باید در جهت بهبود و کیفیت آموزش نقش‌آفرینی کنند. صرفاً با اصلاح برنامه‌ها شاهد تغییر در تجربه‌های هنرجویان نخواهیم بود. همچنین، برای تدوam این فرایند در سازمان و دفتر، وجود سامانه‌ای که بتوان بر بستر آن از هنرآموزان و هنرجویان نظرسنجی و داده جمع‌آوری کرد، بسیار ضروری است. پژوهشگران این حوزه در ادامه این پژوهش فارغ‌التحصیلان رشته را رصد کنند و کیفیت کار آن‌ها در محیط کار واقعی، با توجه به آموزش‌های سه‌ساله را بررسی کنند. امید است این قسم از پژوهش‌ها و کاربرست آن‌ها در محتوای کتاب‌های درسی، قدمی کوچک در بهبود این کیفیت باشد.

در پایان از همه همکاران دفتر که با وجود همه سختی‌ها و محدودیت‌ها و گاه غرض‌ورزی‌های افراد ناگاه، تلاش کردند این فرایند با دقت و صحت انجام گیرد، تشکر می‌کنم.

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل
وگر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم

پی‌نوشت‌ها

1. LTMS
2. SWOT